

اخبار

برنامه «روشن‌دلان عاشق» برگزار می‌شود

در ویژه‌برنامه «روشن‌دلان عاشق»، از خانواده هنرمند عباس اسلامی شرار (شاعر)، ترگس اسلامی شرار (شاعر) و نویسنده و هاتف شرار (خواننده و پژوهشگر موسیقی) قدرتی می‌شود.

در این ویژه‌برنامه با حضور تعدادی از چهره‌های شاخص فرهنگی - هنری، همچنین از کتاب «یک اصفهان حرف» که با موضوع گفت‌وگو با اهالی موسیقی و به کوشش هاتف شرار به چاپ رسیده است نیز رونمایی می‌شود. علاقه‌مندان برای حضور در این برنامه می‌توانند امروز شنبه ۲۸ مهر ساعت ۱۶ به فرهنگسرای خانواده به نشانی خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی (یوسف‌آباد)، خیابان ۲۱، بوستان شفق، مراجعه کنند.

مهران احمدی، الناز ملک و نیما شعبان نژاد در «زرافه»

سریال زرافه، یک مینی‌سریال جنایی است که در ۸ قسمت به کارگردانی سیدجمال سیدحاتمی و تهیه‌کنندگی سعید مرادی تولید می‌شود. فیلمبرداری این سریال به تازگی آغاز شده است. فیلمنامه این اثر را امیرمحمد عبدی به نگارش درآورده است که پیش از این نیز سابقه همکاری با سیدحاتمی را داشته است. از جمله بازیگران این سریال می‌توان به مهران احمدی، نیما شعبان نژاد و الناز ملک اشاره کرد. مهران احمدی در این سریال نقشی متفاوت از کارهای قبلی خود ایفا می‌کند، نیما شعبان نژاد یک نقش کاملاً جدی را تجربه می‌کند و الناز ملک بعد از «خیم کاری» حالا با «زرافه» به نمایش خانگی خواهد آمد. در خلاصه داستان این سریال آمده است: «هن هیروشیمی بعد از بمبم با من از بدبختی صحبت نکن.»

تورین با «بهشت» افتتاح می‌شود

فیلم مهیج ران هالوار با عنوان «بهشت» با بازی جود لا، آن‌ادی آرماس، ونسا کربی و سیدنی سونیه به عنوان فیلم افتتاحیه جشنواره فیلم تورینو ایتالیا انتخاب شد. این فیلم با حضور کارگردان برای نخستین بار دیده می‌شود. «بهشت» داستان یک زوج اروپایی با بازی لادو و کربی است که به دنبال یک زندگی جدید و فرار از ارزش‌های بورژوازی سال ۱۹۲۹ از آلمان راهی یک جزیره بکر بدون ساکن در گالاپاگوس هستند. این فیلم بر مبنای یک رویداد واقعی، بر اساس داستانی از نوآ پینک و هالوار و بر مبنای فیلمنامه پینک ساخته شده است. فیلم پس از نخستین نمایش جهانی‌اش در ماه سپتامبر در جشنواره فیلم تورینو، نخستین نمایش بین‌المللی خود را در تورین خواهد داشت. شروع جشنواره امسال با نخستین نمایش بین‌المللی این فیلم مهیج با حضور کارگردان، شروعی خوب برای کارگردان هنری جدید جشنواره، جولیه بیس بازیگر و کارگردان ایتالیایی است. چهل و دومین دوره جشنواره تورین از ۲۲ تا ۳۰ نوامبر (۲۶ تا ۱۰ آذر) برگزار خواهد شد و ترکیب فیلم‌های حاضر در این دوره جشنواره ۷ نوامبر اعلام می‌شود.

«دایره گچی قفقازی» میهمان تئاتر شهر می‌شود

«دایره گچی قفقازی» نوشته برتولد برشت با ترجمه سیمین امیریان و کارگردانی امیر دژاکام از ۹ آبان اجرای عمومی خود را در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر آغاز می‌کند و از روز گذشته نیز پیش‌فروش بلیت‌های ۳ روز نخست این اثر نمایشی آغاز شده است.

تاکتون رابعه اسکویی، امیر کربلایی‌زاده و سیاوش خیرابی به عنوان بازیگران نمایش «دایره گچی قفقازی» معرفی شدند، همچنین نقش‌های اصلی این اثر نمایشی نیز برعهده النا امیدی و نگار بابایی ۲ بازیگر جوان خواهد بود که با این نمایش به فضای حرفه‌ای تئاتر معرفی می‌شوند.

«دایره گچی قفقازی» از جمله آثار شناخته‌شده برتولد برشت است که دژاکام قصد دارد بعد از چند سال دوری از فضای رسمی تئاتر آن را با سبک و سیاقی متفاوت و در قالب اثری ترازوی کمدی به صحنه ببرد. این اثر نمایشی از ۹ آبان تا ۱۴ آذر هر شب ساعت ۱۹ در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر به روی صحنه می‌رود.

الیکا عبدالرزاقی و امیرعلی نوبیان دور میز «شام ایرانی»

تالیته شوی «شام ایرانی» به کارگردانی سعید ابوطالب با ترکیبی از بازیگران و روایتی تازه، قرار است در شبکه نمایش خانگی منتشر شود. این فصل از برنامه «شام ایرانی» میزبان چهره‌های مختلفی از جمله ژمان باغی، امیرعلی نوبیان، مجتبی شفیعی، سپند امیرسلیمانی، حسین رفیعی، امیر کربلایی‌زاده، عبدالله روا، الیکا عبدالرزاقی، مونا کرمی و حدیث میرامینی است. «شام ایرانی» اولین بار سال ۱۳۹۰ به کارگردانی بیژن بیرنگ تولید شد. ۲ فصل اول این برنامه به قدری مورد توجه قرار گرفت که کارگردان‌های زیادی به فکر تولید آن افتادند. بعد از بیژن بیرنگ، محمد شایسته، سروش صحت و سعید ابوطالب به شیوه خودشان «شام ایرانی» را در چند فصل تولید کردند. ابوطالب بعد از ۹ فصل «شام ایرانی»، سال ۱۳۹۹ فصل آخر آن را منتشر کرد و بعد از آن این مسابقه دیگر ادامه پیدا نکرد.

ابوطالب بعد از «شام ایرانی» درگیر تولید تالیته شوی مافیایی از جمله «شب‌های مافیایی»، «رتش سری»، «ضد» و «پدرخوانده» شد.

رقص اندر خون خود مردان کنند سنوار؛ احیای یک افسانه

محمدمهدی عبداللہی شاعر متعهد کشورمان تازه ترین شعر خود را برای شهید یحیی سنوار اینطور سروده است:

بوم صخره‌ها شمشیرها
تلاکیت‌ها گنجه‌های شمشیرها
قصه‌ها شوق‌ها جبهه‌ها
عاشق‌ها بی‌خبرند از خون‌ها
بلند‌ها از شوق‌ها
قصرها جیش و سپهرها
شیعه‌ها نزل‌ها لیاکرت
مله‌ها در مسلک‌ها
بهرم کنیزها شایه کنج‌ها
همچو ماه‌ها بی‌نور لاله‌ها
خون‌حین‌ها قند و شکر لاله‌ها
کربان‌ها کرمی‌ها گره‌ها
چشمه‌ها زلف‌ها فصل‌ها
هان‌ها تل‌ها پوست‌ها زلف‌ها
عمز‌ها کتله‌ها و بند و کتله‌ها
لیگ‌ها و هیوس‌ها
مقصد‌ها و مقاصد‌ها
ملمه‌ها و ملامت‌ها
جمعه‌ها و شوق‌ها
منتظ‌ها و شوق‌ها

بهراد رشوند: حیرت‌آور! شبیه یکی از ساکنان اصلی آن فیلم‌های حماسی هالیوود بود؛ ریزپرنده‌ای وارد ساختمان نیمه‌ویران می‌شود، قهرمان قصه می‌آنکه رمقی داشته باشد، به دوربین پهباد خیره می‌شود، نه خودش را به مردن می‌زند و نه تسلیم می‌شود. دست راستش از ساعد شکاف بزرگی خورده اما یک تکه چوب در دست چپش هنوز دارد. مرد می‌داند آخرین ثانیه‌های زندگی‌اش است و خودش پایان بدن خاکی‌اش را انتخاب می‌کند. اگر شالی را که به صورت بسته بود باز می‌کرد و به دوربین آن ریزپرنده خیره می‌شد، احتمالاً اپراتور از شوق پیدا کردن زنده یحیی، به او شلیک نمی‌کرد اما سنوار انتخابش را کرده بود. دیگر نایی در بدن نداشت اما آخرین پیامش را برای کودکانی که در آن سرزمین به دنیا نیامده‌اند و یا در گهواره‌اند ارسال کرد؛ یحیی سنوار هیچ سلاحی در دست نداشت اما همان یک تکه چوب را به نمایندگی در همه نداشته‌های‌شان در یک جنگ نابرابر، پرتاب کرد و احتمالاً چند ثانیه بعدش هم کار تمام شد. آن که آن سوی دوربین نشسته بود نمی‌دانست به سر چه کسی شلیک کرد اما سنوار می‌دانست آخرین لحظات زندگی‌اش در حال ثبت و ضبط است. دیگر هیچ توانی برای بلند شدن نداشت اما چوب را پرتاب کرد تا به پسران سرزمین‌های غصب شده پیامش را برساند؛ ما چاره‌ای نداریم جز جنگیدن ولو با چوب خشک برابر پهباد مسلح!

روزی بود که زمین از دست‌رفته به ساکنان اصلی آن سرزمین بازگردد. سنوار از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا ۱۶ اکتبر ۲۰۲۴ در غزه ماند. با پس نکشید، فرار نکرد. فرماندهی کرد و لحظه پایان را هم خودش به انتخاب خویش برگزید. یحیی سنوار را تاریخ به خاطر خواهد سپرد؛ با دست قطع‌شده‌اش، با نگاه خیره و شجاعانه‌اش به ریزپرنده قاتل، با تکه‌چوبی که آخرین سلاحش بود، با آخرین حرکت بدنش که با همه توان چوب را به سمت پهباد پرتاب کرد، با گلوله‌ای که به شقیقه‌اش شلیک شد و تصویری جاودانه از او ساخت. او با این پایان، راه آغاز را به کودکان فلسطینی یاد داد؛ ترسید، تسلیم نشوید و تا توان در بدن دارید، بجنگید. شاید برای بعضی از ما این واژه‌ها از فرط تکرار تپتی از معنای اولیه و آرمانی‌اش شده باشد اما برای آنان که در خون خود می‌غلطند نه! یحیی سنوار تمام نشد، ارتش غاصب با پخش آن ویدئو بزرگ‌ترین خدمت را به کودکان فلسطینی کرد. آنها حالا می‌دانند وقتی از افسانه سنوار برای‌شان می‌گویند، دقیقاً از چه چیزی حرف می‌زنند؛ مردی که یک رسانه اسرائیلی با نشان دادن این فیلم برایش نوشت؛ تا لحظه آخر جنگید.

شبیه دوی امدادی بود، سنوار «چوب» را به نفر بعدی داد اما حمله‌های تل‌السلطان رفح نفهمیدند و فاتحانه این فیلم را منتشر کردند.

تاریخ با همین فیلم چندثانیه‌ای به یاد خواهد آورد و شهادت می‌دهد چگونه فرزندان فلسطین با یک تکه چوب، برابر ریزپرنده قاتل، ایستادگی کردند و جنگیدند. این سند بماند برای روزی که قدس آزاد شده؛ روزی که تاریخ به یاد بیاورد چه کسانی همه آسایش و ۶۰ سال زندگی خویش را به پای این آزادی ریختند. شاید مولانا این صحنه را دیده بود که ۱۰ قرن پیش گفت:

رقص و جولان بر سر میدان کنند
رقص اندر خون خود مردان کنند



ایران را ساخته است، مجسمه نادرشاه افشار در مشهد، مجسمه خیام در پارک لاله تهران، بوعلی سینا در میدان بوعلی همدان، مجسمه خیام در نیشابور، سعدی در شیراز، یعقوب لیث در زابل، امام‌قلی‌خان در اردبیل و تندیس میرزا تقی خان امیرکبیر در پارک ملت از جمله آثار او است. ■ از فردوسی تا خیام سردیس فردوسی سال ۱۳۱۳ به دست ابوالحسن صدیقی ساخته شد. سال ۱۳۹۹ در آستانه ۲۵ اردیبهشت روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی، سردیس این شاعر بزرگ ایرانی در فهرست آثار منقول ملی ثبت شد. این اثر که در موزه کتاب و میراث مستند سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود از سوی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور به شماره ۱۴۴۸ در فهرست آثار ملی منقول به ثبت رسید. این اثر ارزشمند سال ۱۳۱۳ (۹۰ سال قبل)، توسط استاد

ایران را ساخته است، مجسمه نادرشاه افشار در مشهد، مجسمه خیام در پارک لاله تهران، بوعلی سینا در میدان بوعلی همدان، مجسمه خیام در نیشابور، سعدی در شیراز، یعقوب لیث در زابل، امام‌قلی‌خان در اردبیل و تندیس میرزا تقی خان امیرکبیر در پارک ملت از جمله آثار او است. ■ از فردوسی تا خیام سردیس فردوسی سال ۱۳۱۳ به دست ابوالحسن صدیقی ساخته شد. سال ۱۳۹۹ در آستانه ۲۵ اردیبهشت روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی، سردیس این شاعر بزرگ ایرانی در فهرست آثار منقول ملی ثبت شد. این اثر که در موزه کتاب و میراث مستند سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود از سوی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور به شماره ۱۴۴۸ در فهرست آثار ملی منقول به ثبت رسید. این اثر ارزشمند سال ۱۳۱۳ (۹۰ سال قبل)، توسط استاد

ایران را ساخته است، مجسمه نادرشاه افشار در مشهد، مجسمه خیام در پارک لاله تهران، بوعلی سینا در میدان بوعلی همدان، مجسمه خیام در نیشابور، سعدی در شیراز، یعقوب لیث در زابل، امام‌قلی‌خان در اردبیل و تندیس میرزا تقی خان امیرکبیر در پارک ملت از جمله آثار او است. ■ از فردوسی تا خیام سردیس فردوسی سال ۱۳۱۳ به دست ابوالحسن صدیقی ساخته شد. سال ۱۳۹۹ در آستانه ۲۵ اردیبهشت روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی، سردیس این شاعر بزرگ ایرانی در فهرست آثار منقول ملی ثبت شد. این اثر که در موزه کتاب و میراث مستند سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود از سوی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور به شماره ۱۴۴۸ در فهرست آثار ملی منقول به ثبت رسید. این اثر ارزشمند سال ۱۳۱۳ (۹۰ سال قبل)، توسط استاد

ایران را ساخته است، مجسمه نادرشاه افشار در مشهد، مجسمه خیام در پارک لاله تهران، بوعلی سینا در میدان بوعلی همدان، مجسمه خیام در نیشابور، سعدی در شیراز، یعقوب لیث در زابل، امام‌قلی‌خان در اردبیل و تندیس میرزا تقی خان امیرکبیر در پارک ملت از جمله آثار او است. ■ از فردوسی تا خیام سردیس فردوسی سال ۱۳۱۳ به دست ابوالحسن صدیقی ساخته شد. سال ۱۳۹۹ در آستانه ۲۵ اردیبهشت روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی، سردیس این شاعر بزرگ ایرانی در فهرست آثار منقول ملی ثبت شد. این اثر که در موزه کتاب و میراث مستند سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود از سوی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور به شماره ۱۴۴۸ در فهرست آثار ملی منقول به ثبت رسید. این اثر ارزشمند سال ۱۳۱۳ (۹۰ سال قبل)، توسط استاد

ایران را ساخته است، مجسمه نادرشاه افشار در مشهد، مجسمه خیام در پارک لاله تهران، بوعلی سینا در میدان بوعلی همدان، مجسمه خیام در نیشابور، سعدی در شیراز، یعقوب لیث در زابل، امام‌قلی‌خان در اردبیل و تندیس میرزا تقی خان امیرکبیر در پارک ملت از جمله آثار او است. ■ از فردوسی تا خیام سردیس فردوسی سال ۱۳۱۳ به دست ابوالحسن صدیقی ساخته شد. سال ۱۳۹۹ در آستانه ۲۵ اردیبهشت روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی، سردیس این شاعر بزرگ ایرانی در فهرست آثار منقول ملی ثبت شد. این اثر که در موزه کتاب و میراث مستند سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود از سوی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور به شماره ۱۴۴۸ در فهرست آثار ملی منقول به ثبت رسید. این اثر ارزشمند سال ۱۳۱۳ (۹۰ سال قبل)، توسط استاد

ثبت ملی تندیس مشاهیر ایران زمین در پایتخت

انتقال آن به ایران متفاوت است. مجسمه امیرکبیر سال ۱۳۵۶ به سفارش انجمن مفاخر ملی ایران در کشور ایتالیا ساخته شد و به دلیل همزمانی ساخت و آماده شدن آن با روزهای پیروزی انقلاب، انتقال آن به ایران ۲۳ سال به تأخیر افتاد. سال ۱۳۸۸ با پیگیری اسناد ساخت این مجسمه، محل نگهداری آن شناسایی و با طی مراحل قانونی در سال ۸۹ وارد ایران شد. محل نگهداری پیکره میرزا تقی خان امیرکبیر پارک ملت تهران است. ارتفاع این اثر هنری ۲ متر و ۱۰ سانتیمتر و وزنش ۴۵۰ کیلوگرم است.

پیکره حکیم عمر خیام، اثر دیگر استاد ابوالحسن صدیقی است که در پارک لاله قرار دارد. به گفته فریدون صدیقی، پدرش این مجسمه و مجسمه فردوسی را خیلی دوست داشت. مجسمه خیام سال ۱۳۵۸ به سفارش انجمن آثار ملی با سنگ مرمر کارا در ایتالیا ساخته و سپس به ایران منتقل شد. قیل از استاد صدیقی است هنر مجسمه‌سازی ایران وضع بسیار پیچیده‌ای داشت و بین نقش‌برجسته‌های بسیار زیبا و هنرمندانه تخت جمشید با سایر دوران و بالاخره دوران معاصر تا آثار صدیقی، و رطای خالی و بستری نامساعد به عمق قرن‌ها بود. همین، کار و محیط فعالیت صدیقی را سخت‌تر و تیره‌تر از کمال‌الملک می‌کرد اما تشنگی سیراب‌ناشدنی ذوق جامعه نسبت به تحول باعث شد صدیقی بی‌درنگ مورد استقبال مردم قرار گیرد و چون کمال‌الملک او را یگانه و محترم بشمارند هر چند حرمت‌ها، بیشتر ارزشی لفظی داشت از سنگینی شرایط زندگی هنرمندان ذره‌ای نمی‌کاست. در مجموع از این پیکر تراش برجسته، ۸۳ مجسمه به جا مانده است که بخش عمده‌ای از آنها مشاهیر و چهره‌های ماندگار تاریخی و ادبی ایرانی است.

چون رهند از دست خود دستی زند
چون چهند از نقص خود رقصی کنند
شبیه یک فیلم هالیوودی بود؛ حیرت‌آور و باورنکردنی و این کمترین مزد مجاهدت‌های مرد جنگی اعراب بود؛ یحیی سنوار.

چون رهند از دست خود دستی زند
چون چهند از نقص خود رقصی کنند
شبیه یک فیلم هالیوودی بود؛ حیرت‌آور و باورنکردنی و این کمترین مزد مجاهدت‌های مرد جنگی اعراب بود؛ یحیی سنوار.

چون رهند از دست خود دستی زند
چون چهند از نقص خود رقصی کنند
شبیه یک فیلم هالیوودی بود؛ حیرت‌آور و باورنکردنی و این کمترین مزد مجاهدت‌های مرد جنگی اعراب بود؛ یحیی سنوار.

چون رهند از دست خود دستی زند
چون چهند از نقص خود رقصی کنند
شبیه یک فیلم هالیوودی بود؛ حیرت‌آور و باورنکردنی و این کمترین مزد مجاهدت‌های مرد جنگی اعراب بود؛ یحیی سنوار.

چون رهند از دست خود دستی زند
چون چهند از نقص خود رقصی کنند
شبیه یک فیلم هالیوودی بود؛ حیرت‌آور و باورنکردنی و این کمترین مزد مجاهدت‌های مرد جنگی اعراب بود؛ یحیی سنوار.

چون رهند از دست خود دستی زند
چون چهند از نقص خود رقصی کنند
شبیه یک فیلم هالیوودی بود؛ حیرت‌آور و باورنکردنی و این کمترین مزد مجاهدت‌های مرد جنگی اعراب بود؛ یحیی سنوار.

چون رهند از دست خود دستی زند
چون چهند از نقص خود رقصی کنند
شبیه یک فیلم هالیوودی بود؛ حیرت‌آور و باورنکردنی و این کمترین مزد مجاهدت‌های مرد جنگی اعراب بود؛ یحیی سنوار.

چون رهند از دست خود دستی زند
چون چهند از نقص خود رقصی کنند
شبیه یک فیلم هالیوودی بود؛ حیرت‌آور و باورنکردنی و این کمترین مزد مجاهدت‌های مرد جنگی اعراب بود؛ یحیی سنوار.

چون رهند از دست خود دستی زند
چون چهند از نقص خود رقصی کنند
شبیه یک فیلم هالیوودی بود؛ حیرت‌آور و باورنکردنی و این کمترین مزد مجاهدت‌های مرد جنگی اعراب بود؛ یحیی سنوار.

چون رهند از دست خود دستی زند
چون چهند از نقص خود رقصی کنند
شبیه یک فیلم هالیوودی بود؛ حیرت‌آور و باورنکردنی و این کمترین مزد مجاهدت‌های مرد جنگی اعراب بود؛ یحیی سنوار.

چون رهند از دست خود دستی زند
چون چهند از نقص خود رقصی کنند
شبیه یک فیلم هالیوودی بود؛ حیرت‌آور و باورنکردنی و این کمترین مزد مجاهدت‌های مرد جنگی اعراب بود؛ یحیی سنوار.

چون رهند از دست خود دستی زند
چون چهند از نقص خود رقصی کنند
شبیه یک فیلم هالیوودی بود؛ حیرت‌آور و باورنکردنی و این کمترین مزد مجاهدت‌های مرد جنگی اعراب بود؛ یحیی سنوار.

چون رهند از دست خود دستی زند
چون چهند از نقص خود رقصی کنند
شبیه یک فیلم هالیوودی بود؛ حیرت‌آور و باورنکردنی و این کمترین مزد مجاهدت‌های مرد جنگی اعراب بود؛ یحیی سنوار.

چون رهند از دست خود دستی زند
چون چهند از نقص خود رقصی کنند
شبیه یک فیلم هالیوودی بود؛ حیرت‌آور و باورنکردنی و این کمترین مزد مجاهدت‌های مرد جنگی اعراب بود؛ یحیی سنوار.